

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال سیزدهم، شماره سی‌ودو، پاییز ۱۴۰۱، صفحات ۷۷-۹۷
مقاله پژوهشی
DOI: 10.22034/JIIPH.2022.44745.2174 شناسه دیجیتال

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

آداب و آیین جشن جلوس در بین مغول‌ها و ایلخانان

ذکراله محمدی^۱

بهشته ضرغامیان آزاد^۲

چکیده

مغولان در مناسبت‌های مختلف اقدام به برپایی مجالس جشن و سرور می‌نمودند که همواره از آداب و تشریفات خاصی برخوردار بود. جشنی را که به هنگام بر تخت‌نشینی فرمان‌روایان مغولی ترتیب می‌یافت، می‌توان از مهم‌ترین جشن‌های مغولان به حساب آورد. جشن‌های جلوس فرمان‌روایان در ابتدا بسیار ساده برگزار می‌شدند و با تثبیت امپراطوری مغولان و افزایش قدرت فرمان‌روایان آداب و آیین‌های بیشتری بر این جشن‌ها افزوده گشت اما باز جشن‌ها به سادگی گرایید. پس از استقرار حکومت ایلخانی در ایران و با وجود تأثیرگذاری فرهنگ و آداب ایرانی بر آن‌ها، ایلخانان به همان سنت‌ها و آداب اجدادی خود به هنگام جلوس فرمان‌روا عمل می‌کردند. در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن توصیف چستی و چگونگی آیین و آداب جلوس در دوران فرمان‌روایی مغولان و ایلخانان، به تغییرات و تحولات این مقوله مهم نیز پرداخته شود. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها و منابع اطلاعاتی آن کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژگان کلیدی: اشراف و بزرگان، فرمان‌روا، ایلخانان، جلوس، جشن، مغولان.

ze.mohammadi@alzahra.ac.ir
b.zarghamian1370@gmail.com

۱. دانشیار دانشگاه الزهراء تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه الزهراء تهران، ایران

Enthronement ceremonies among the Mongols and Ilkhanids

Zekrollah Mohammadi^۱

Beheshteh Zarghamian^۲

Abstract

The Mongols always held celebrations and feasts with special customs and rituals on any occasion. The celebration that was held during the enthronement of the Mongol rulers can be considered one of the most important of festivals. The celebrations of the enthronement of the rulers were very simple at the beginning. By the consolidation of the Mongol Empire and the increase of rulers' power, more customs and rituals were added to this celebration, but it gradually returned to simplicity. After the establishment of the Ilkhanid dynasty in Iran and despite the influence of Iranian culture, the Mongols followed their own traditional customs in case of enthroning the ruler.

The present study is an attempt to describe the nature and circumstance of the enthronement ceremonies during the sovereignty of the Mongols and Ilkhanids. Developments of this important phenomenon is also discussed. The method of this research is descriptive-analytical. The sources of data and information are library and documents.

Keywords: nobles, rulers, Ilkhanids, enthronement, celebration, Mongols.

-
1. Associate Professor, Al-Zahra University, Tehran, Iran (corresponding author)
ze.mohammadi@alzahra.ac.ir
 2. PhD student of post-Islamic Iranian history at Al-Zahra University, Tehran, Iran
b.zarghamian1370@gmail.com

مقدمه

مغولان بر اساس آداب و اعتقادات خود در طی مناسبت‌های مختلف مجالسی از جشن و شادی ترتیب می‌دادند، آن‌ها به واسطه نوع زندگی و شاید شرایط جغرافیایی که داشتند مراسم خاصی نیز برپا می‌کردند که همین موجب وجه تمایز آنان با سایر اقوام می‌شد. جشن‌های مغولان را به دلیل کثرت و تنوع آن می‌توان به جشن‌های سیاسی، فرهنگی اجتماعی و مذهبی تقسیم بندی کرد؛ اما در این میان جشن‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند که از مهم‌ترین آن آداب و آیین مربوط به بر تخت‌نشینی خوانین مغول بود، آن‌ها به هنگام جلوس هر فرمان‌روا مدتی طولانی به شادی و پای‌کوبی می‌گذراندند.

جشن جلوس فرمان‌روایان مغول در ابتدا ساده و بدون تکلف بوده اما بعدها با قدرت‌گیری مغولان و برقراری ارتباط با جوامع و کشورهای خارج از حوزه فرمان‌روایی، بر تجملات و تشریفات جشن‌های جلوس نیز افزوده گشت، مراسمی که به هنگام جلوس فرمان‌روا اجرا می‌شد به دلیل طولانی بودن آدابی که بایستی بجا آورده می‌شد چه بسا کسالت آور و طولانی بوده، اما با این حال برپایی مراسم جلوس فرمان‌روایان مغول و آداب مخصوص به آن تا پایان سلطنت ایلخانان در ایران همچنان تداوم یافت. با وجود آن‌که ایلخانان پس از استقرار در ایران برخی از جشن‌های آباو اجدادی خود را به فراموشی سپردند اما جشن بر تخت‌نشینی را به همان روال سابق تا به هنگام جلوس ابوسعید ایلخان ایران ادامه دادند؛ اما در این میان تحت تأثیر عواملی همچون قدرت‌گیری نوپان‌ها و اشراف ایرانی و نفوذ و تأثیر گذاری ایرانیان بر ایلخانان و ... موجب گشت این جشن‌ها شکوه سابق خود را از دست داده و حالت تشریفاتی بگیرند. در این پژوهش سعی می‌شود به بررسی این تغییرات و عوامل دخیل در آن پرداخته شود.

در باب پیشینه تحقیق باید گفت، تحقیقات و پژوهش‌های چندی درباره آداب و رسوم جلوس فرمان‌روایان مغول و ایلخانی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: از جمله آثاری همچون *مسائل عصر ایلخانان* از منوچهر مرتضوی، در این کتاب گرچه به بررسی همه‌جانبه مسائل دوره ایلخانی اعم از سیاسی، مذهبی و ... پرداخته شده اما از

پرداختن به مسائل پیرامون جلوس فرمان‌روایان ایلخانی و آداب‌ورسومی آن‌ها صرف‌نظر شده است. کتاب دیگر مغولان و حکومت ایلخانی در ایران نوشته شیرین بیانی، بیشترین داده‌های این کتاب بر ارتباط و حضور مغولان در ایران تمرکز یافته است و هیچ‌گونه اطلاعاتی پیرامون جشن‌های جلوس فرمان‌روایان مغول پیش از آمدن به ایران وجود ندارد. در قسمت‌های مرتبط با فرمان‌روایان ایلخانی نیز به‌طور دقیق و مفصل به جشن‌های جلوس ایلخانان پرداخته نشده و بیشتر مسائل سیاسی، اجتماعی ... مورد بررسی قرار گرفته است؛ و نیز کتاب تاریخ مغول در ایران از اشپولر، در این کتاب گرچه نویسنده در یک بخش جداگانه به هریک از فرمان‌روایان مغول و ایلخانی از چنگیزخان تا ابوسعید ایلخانی پرداخته اما بیشتر وقایع سیاسی از آغاز جلوس تا پایان حکومت هر فرمان‌روا را شرح می‌دهد؛ و در این میان اشاره‌ای بسیار کوتاه و مختصر به جلوس هر فرمان‌روا می‌کند اما از تحلیل و بررسی آداب‌ورسوم هریک از فرمان‌روایان صرف‌نظر شده است.

همچنین می‌توان به مقالات در این زمینه اشاره نمود از جمله: «تحقیق در آداب‌ورسوم دوره ایلخانی» از نازیلا اصلان‌پور علمداری؛ «اعتقادات: آداب‌ورسوم مغولان» از مریم طحان؛ «آداب‌ورسوم در ایران روزگار ایلخانان» از مریم معزی - حسین ابراهیمی؛ «بررسی تحلیلی تأثیر پیوند ایلخانان و دربار مرکزی مغول در مسئله جانشینی» از شکوفه حسن‌پور، فیض‌الله بوشاسب گوشه اشاره کرد، اما تمامی تحقیقات مذکور تنها به‌صورت کلی از آداب‌ورسوم مربوط به جشن‌های جلوس مغولان و ایلخانان سخن گفته و از تجزیه‌وتحلیل عمیق و دقیق آن‌ها صرف‌نظر کرده‌اند؛ بنابراین تاکنون پژوهش مستقل و جامعی که از منظرهای مختلف و همه‌جانبه به توصیف و تبیین آداب و آیین جشن جلوس فرمان‌روایان مغول از ابتدا تا پایان دوره ایلخانی بپردازد وجود ندارد.

پژوهش حاضر از طریق روش تحلیلی و بر اساس داده‌ها و منابعی که از طریق کتابخانه‌ای گردآوری شده است در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که چرا و چگونه آداب و آیین جلوس در میان مغولان از ابتدا تا پایان حکومت ایلخانان دچار تغییر و تحولات شد؟ و در این زمینه نقش عوامل دیگری چون مذهب و دین چقدر بوده است؟

آداب و آیین‌های دینی همواره یکی از خصیصه‌های جدانشدنی جشن‌هایی بوده که

توسط اقوام مغول ترتیب می‌یافت. جشن‌هایی که به‌منظور جلوس فرمان‌روایان مغولی ترتیب می‌یافت دارای آداب و آیین‌های خاصی می‌شد که شامل آداب چوک زدن^۱ و کاسه گرفتن^۲ بود و تقریباً در مورد جلوس تمامی فرمان‌روایان مغول این آداب رعایت می‌شد. بدیهی است که پس از استقرار حکومت ایلخانان در ایران و با تأثیرگذاری ایرانیان بر آن‌ها برخی از آداب و آیین‌هایی که پیش از این به‌هنگام بر تخت‌نشینی فرمان‌روایان مرسوم بوده، در این زمان منسوخ شده یا بیشتر جنبه نمادی و تشریفاتی یافته باشند. آداب و آیین‌هایی که به‌هنگام جلوس فرمان‌روایان مغول اجرا می‌گردید به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

اول: آداب و آیین‌هایی که تقریباً به‌هنگام جلوس تمامی فرمان‌روایان مغول انجام گرفته

۱. **تشکیل قوریلتا:** از قدیمی‌ترین و اولین آدابی بود که پیش از جلوس تمامی فرمان‌روایان مغول انجام گرفت. قوریلتای پیش از جلوس قوتوله قآن و چنگیزخان در ساده‌ترین شکل برگزار شد و در جلوس فرمان‌روایان بعدی از تشریفات و تجملات بیشتری برخوردار گردید. قدیمی‌ترین جشن جلوس مربوط به جلوس قوتوله قآن جد چنگیزخان است که تاریخ سیاسی مغولان با او آغاز می‌شود و می‌توان او را نخستین فرمان‌روای بی‌تاج و تخت مغولان دانست که شرح آن در تاریخ سری مغولان نیز آمده است، مغولان در کنار رود انون در طی اجتماعی که ترتیب دادند قوتوله را به قآنی خود انتخاب کردند (چائو پی یه شه، ۱۳۲۸: ۳۲).

تاریخ سری برگزیده شدن تموچین بنیان‌گذار اصلی مغولان بر تخت فرمان‌روایی را بدین‌گونه شرح می‌دهد که بزرگان و اشراف مغول پیمان خود با جاموقه را نقض نموده و اطراف تموچین گرد آمدند و همگی متفق‌القول او را شایسته مقام فرمان‌روایی دانسته و او را چنگیزخان نامیدند (همان: ۶۶). بزرگان و اشراف پس از نقض پیمان با جاموقه، تنها فردی

۱. زانو زدن در مقابل سلاطین مغول را به مغولی چوک می‌گویند.

۲. پس از جلوس فرمان‌روا بر تخت پادشاهی یکی از افراد مهم که معمولاً از نویان‌ها بود جام شرابی را به فرمان‌روا تقدیم می‌نمود که به آن رسم کاسه گرفتن می‌گفتند.

که شایستگی رهبری آنان را داشته چنگیزخان بوده است. هرچند تاریخ سری به اصطلاح قوریلتا در اینجا اشاره‌ای نمی‌کند اما اتفاق نظر بزرگان در مورد چنگیزخان و سپس برگزیدن او به پادشاهی مشابه اجرای آداب قوریلتایی است که پس از این در مورد جانشینان چنگیزخان برگزار می‌شد و بزرگان و اشراف پس از توافق با هم فردی از فرزندان چنگیزخان را به پادشاهی برمی‌گزیدند.

جلوس اوکتای را می‌توان از اولین جشن‌های سیاسی پرتکلف در خاندان چنگیزخان دانست. در این جشن آداب و آیین‌هایی بسیاری برای نخستین بار در جلوس اوکتای برگزار گردید و در واقع آداب و آیین‌هایی که در جلوس فرمان‌روایان بعدی اجرا می‌شد نشئت‌گرفته از جشن جلوس اوکتای است. از جمله این آداب می‌توان به برپایی قوریلتا به شکلی متفاوت نسبت به جلوس‌های پیشین اشاره کرد. با آن‌که چنگیزخان پیش از مرگش اوکتای را به جانشینی خود برگزیده بود و نتیجه از پیش مشخص بود باز هم بزرگان و اشراف طبق رسم معمول مجلسی مشورتی را جهت حفظ ظاهر و انجام تشریفات برگزار نمودند. «... هرکس از اردوی خود در حرکت آمدند و به قوریلتای روان شدند... جماعت مذکور تمامت هم بدان اردو در موضع کلران جمع شدند...» (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

قوریلتایی که پیش از جلوس گیوک بر تخت فرمان‌روایی برپا گردید از دو منظر با قوریلتا‌هایی که پیش از این برگزار گردیده بود متفاوت بود؛ اول آن‌که توراکینا خاتون یکی از زنان پرنفوذ و قدرتمند مغولی در برپایی این قوریلتا تأثیر بسزایی داشت. او توانست در برابر مخالفت‌هایی که با سلطنت گیوک صورت می‌گرفت مقاومت نموده و جهت تشکیل قوریلتای ایلچپانی به اطراف بفرستد و دوم این‌که علاوه بر حضور اعضای خاندان چنگیزی، سفیران و ایلچپانی نیز از سایر کشورها حضور داشتند. شبانکاره‌ای می‌نویسد: «... رسولان خلیفه و رسولان ملاحده و از آن سلاطین شام و از آن روم و گرج و فرنگ و ختا و ختن و خراسان و عراق و ماوراءالنهر و آذربادگان با چندان تحف و هدایا که شرح آن صورت نبندد جمع آمدند و درگاه او صحرای قیامت و دشت عرصات بود» (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۵۴).

پس از وفات گیوک همسرش در تدارک تشکیل قوریلتا برآمد تا بنا به رسم مغولان در مورد جانشینی گیوک تصمیم‌گیری شود. اغول غایمیش مایل بود که شیرامون به‌عنوان

جانشین گیوک انتخاب شود (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۵: ۱۵۴). اغول غایمیش با این که همسر فرمان‌روای متوفی محسوب می‌شود اما نتوانست بر زیرکی و تدبیر سرقوییتی زوجه تولوی غلبه کند و بار دیگر رد پای یک زن قدرتمند مغول را در بر تخت‌نشینی یک فرمان‌روا می‌توان دید چراکه سرقوییتی با بخششی که نمود بزرگان مغول از جمله باتو را با خود همراه ساخته بود. تا حدی که به‌صراحت می‌توان گفت اگر تدابیر و زیرکی سرقوییتی بیگی نبود تاریخ سیاسی مغولان به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و نام منکو در فهرست فرمان‌روایی مغولان تثبیت نمی‌شد. با قرار گرفتن منکوقاآن بر تخت فرمان‌روایی سلطنت در خاندان چنگیزخان از فرزندان اوکتای به فرزندان تولوی منتقل شد، اما باین‌حال مسلماً انتقال سلطنت از نسل اوکتای به تولوی با مخالفت‌هایی روبرو شده است.

پس از وفات گیوک، باتو که در میان اولاد چنگیزخان از همه بااب‌هت‌تر بود از شاهزادگان درخواست نمود که در دشت قپچاق گرد هم آیند تا در مورد انتخاب جانشین گیوک مشورت نمایند. منکو بنا به درخواست مادرش به عیادت باتو به دشت قپچاق رفته و باتو پس از دیدن منکو او را نسبت به سایر شاهزادگان به دلیل آن که یاسا و یرلیغ چنگیز خان را به چشم دیده و درک نموده به امر سلطنت سزوارتر و لایق‌تر دانست، بزرگان نیز موافقت خود را در این خصوص ابراز نمودند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۸۲۶). منکو از میان فرمان‌روایان مغول تنها فرمان‌روایی بود که دو قوریلتا به منظور جلوس او برپا شد. گرچه در قوریلتای اول بزرگان و اشراف خاندان چنگیز به احترام و پیروی از باتو سکوت نمودند اما به سبب همان هنجارشکنی‌هایی که در ابتدا در انتقال سلطنت از خاندان اوکتای به تولوی صورت گرفت بزرگان و اشراف حاضر در قوریلتای اول از این انتخاب ناراضی بودند. رشیدالدین در خصوص برپایی قوریلتای دوم می‌گوید که اشراف و بزرگان با تهدید باتو در موضع کلوران گرد هم آمدند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۸۳۰). تیمور قاآن نیز چنان‌که در جامع‌التواریخ آمده در نتیجه پیروزی در مباحثه‌ای که با برادرش کملا در تسلط بر یاسا و قوانین چنگیزی داشت مورد تایید بزرگان حاضر در مجلس قرار گرفت و به فرمان‌روایی انتخاب گردید (همو: ۸۴۸). در اینجا گرچه همانند جلوس قوتوله قاآن و چنگیز خان به‌طور مستقیم به اصطلاح قوریلتا اشاره نشده است، اما حضور بزرگان و تایید فرمان‌روا توسط آن‌ها شبیه همان آداب قوریلتا است.

قوریلتهایی که به منظور جلوس فرمان‌روایان مغول برپا می‌گردید در ابتدا در نهایت سادگی برگزار می‌شدند و بعدها بر تجملات و تشریفات آن افزوده گشت اما چنان که شاهد آنیم در جلوس تیمورقآن باز به همان سادگی اولیه گرایید.

۲. امتناع: از جمله آدابی بود که فرمان‌روایان مغول هنگامی که سلطنت به آن‌ها پیشنهاد می‌گردید بنا به رسم موجود یا احترام به سایر اعضای خاندان چنگیزی در ظاهر از پذیرش آن خودداری می‌نمودند. اولین بار این رسم در هنگام جلوس اوکتای بود، بدین ترتیب که پس از تشکیل قوریلتهای سلطنت بر طبق وصیت چنگیزخان به اوکتای پیشنهاد شد و او بنا به رسم رایج از پذیرش آن امتناع نموده و به برادران و عموهای خود حواله نمود. تا آن‌که در روز چهل‌ویکم با این سخن بزرگان که سرپیچی از فرمان چنگیزخان گناهی نابخشودنی خواهد بود به سلطنت رضا داد (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۴۷). گیوک نیز پیش از جلوس بنا به رسم رایج از پذیرش سلطنت امتناع نمود: «... بعد از بحث بر اجلاس او متفق شدند و او چنان‌که رسم باشد ابا می‌نمود و به هر شاهزاده‌ای حواله می‌کرد و به عذر معمولی و ضعف مزاج تمسک می‌جست. بعد از الحاح امرا گفت بدان شرط قبول کنم که بعد از من بر اروغ من مقرر باشد» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۸۰۴).

همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم امتناع شاهزادگان مغولی از جمله آدابی بوده که پیش از جلوس انجام می‌گرفته است. در واقع امتناع آنان یک آداب صوری بوده که به جهت حفظ آرامش و احترام به دیگر اعضای مهم خاندان چنگیز صورت می‌گرفت و ترجیح می‌دادند که مقام سلطنت را به اصرار بزرگان بپذیرند چراکه اگر غیر از این می‌بود گیوک شرط اصلی پذیرش خانیت را موروثی شدن سلطنت در خاندانش قرار نمی‌داد. منکو نیز مطابق آدابی که نزد فرمان‌روایان مغول پیش از جلوس معمول بود از پذیرش خانیت امتناع نمود، اما بالاخره به اصرار برادرش موکا اغول مبنی بر این‌که سرپیچی از فرمان باتو امری پسندیده نیست به سلطنت رضا داد (جوینی، ۱۳۷۰: ۲۱). در این مورد نیز می‌توان به صوری یا مصلحتی بودن برخی از آداب و آیین‌های پیش از جلوس فرمان‌روایان مغول پی برد، چراکه سرقوییتی در ابتدای امر با کاردانی و زیرکی بزرگان و اشراف مغول را در انتخاب منکو با خود همراه کرده و حتی فرستادن منکو به عیادت باتو نیز سیاستی در راستای همین هدف بوده است، اما بالاین حال منکو بنا به رسم معمول در ظاهر از پذیرش سلطنت سر باز زد.

۳. برداشتن کلاه و گشودن کمر: پس از پذیرش سلطنت از جانب فرمان‌روا و پیش از جلوس بر تخت فرمان‌روایی بزرگان و اشراف حاضر در مجلس احتمالاً به نشانه احترام کلاه‌ها از سر برمی‌داشتند و کمرها را باز می‌کردند. اجرای این رسم نیز اولین بار به هنگام جلوس اوکتای مشاهده شد: «...و بر عادت قدیم کلاه‌ها از سر برداشتند و کمرها بر دوش افکندند...» (همو، ۱۴۸). در جشن جلوس گیوک نیز پس از آن که بزرگان بر سر انتخاب او توافق کردند تمامی شاهزادگان کلاه‌ها از سر برداشته و کمرها را گشودند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۰: ۸۰۴). منکو از میان فرمان‌روایان مغول تنها فرمان‌روایی بود که دو قوریلتا به‌منظور جلوس او برپا شد و بسیاری از آداب و آیین‌های جلوس از جمله آیین برداشتن کلاه و گشودن کمر توسط حاضرین در مجلس نیز دو مرتبه اجرا شدند. در قوریلتای نخست بنا به گفته تاریخ‌وصاف: «...نوئینان و امرای تومان کلاه از سر چون غل از دل برداشتند و در اندرون اردو از بن گوش کمر را چون غاشیه بر سر دوش افکندند...» (وصاف‌الحضرة، ۱۲۶۹: ۵۷۷). در قوریلتای دوم که در موضع کلوران برپا گردید بنا به گفته رشیدالدین افراد حاضر در این جشن برای مرتبه دوم آداب برداشتن کلاه‌ها و گشودن کمر را به‌جا آوردند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۰: ۸۳۰).

۴. قرار گرفتن افرادی در سمت راست و چپ فرمان‌روا به هنگام جلوس: این رسم پس از زمانی که فرمان‌روا به امر سلطنت رضا می‌داد اجرا می‌شد، این آداب نیز اولین بار به هنگام جلوس اوکتای مشاهده شد: «... جغتای که برادر بزرگتر اوکتای بود دست راست او را گرفت و اوچکین که عموی او بود دست چپش را گرفت و او را بر تخت سلطنت نشانند» (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۴۷). از مهم‌ترین آدابی که به هنگام بر تخت‌نشینی قوتوله قآن و چنگیزخان صورت نگرفت اما در این زمان انجام شد، جلوس فرمان‌روا به کمک دو تن از نزدیکان بود بدین ترتیب که جغتای که نسبت به سایرین از جایگاه بالاتری برخوردار بوده در سمت راست و سپس اوچکین عموی او در سمت چپ پادشاه قرار گرفته و اوکتای را بر تخت نشانند. گیوک نیز به کمک دو تن از اعضای خاندان چنگیزی بر سریر سلطنت قرار گرفت. منابعی همچون جوینی و جامع‌التواریخ گرچه به جلوس این فرمان‌روا به کمک دو تن از نزدیکان اشاره می‌کنند اما نامی از این افراد نبرده‌اند و تنها منبعی که نامی از این افراد می‌برد روضه‌الصفا است. بدین گونه که منکوقآن پسر تولوی در سمت راست فرمان‌روا قرار

گرفته و دست چپش را یکی از اعضای خاندان چنگیزخانی گرفته و او را بر تخت نشانند (میرخواند، ۱۳۷۳: ۸۶۹).

در جلوس منکوقآن بسیاری از آداب و آیین‌های جلوس نیز دو مرتبه اجرا گردید؛ اما در منابع اطلاعاتی پیرامون افرادی که منکو را بر تخت نشانند، وجود ندارد و تنها منبعی که می‌توان اطلاعات اندکی در این خصوص به دست آورد مجمع‌الانساب شهبانکاره‌ای است و آن هم فقط در مورد قوریلته‌ای اول که اشاره می‌کند پس از اتفاق نظر همگان در برگزیده شدن منکو، باتو دست او را گرفته و بر تخت نشانند (شهبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۵۷). اطلاعات پیرامون اجرای این آداب به هنگام جلوس تیمور قآن نیز در منابع اندک است. در روضه‌الصفا اشاره‌ای کوتاه به آن شده است: «... بدین ترتیب که او را بر نمدی سفید نشانند و چهار شاهزاده چهار طرف نمد را گرفتند و دو کس دیگر دست و بازوی او را گرفتند» (میرخواند، ۱۳۷۳: ۸۸۲).

جلوس فرمان‌روایان مغولی به کمک دو تن از اعضای خاندان چنگیزی نشان از تایید و همراهی آنان از ابتدای سلطنت بود. فرمان‌روا نیز با تکیه بر حامیان قدرتمندی که از ابتدای امر حمایت خود را اعلام می‌داشتند بر سریر سلطنت قرار می‌گرفت؛ اما منکوقآن چنان که ذکر آن رفت به دلیل اختلافاتی که با جلوس او رخ داد، هیچ‌یک از اعضای خاندان چنگیزی جز باتو که خود از ابتدای امر با او موافق بود، او را در هنگام جلوس بر تخت یاری نمودند. این آداب و آیین چنان که به آن اشاره خواهیم نمود در زمان ایلخانان دستخوش تغییرات بسیاری خواهد گشت.

۵. کاسه گرفتن و چوک زدن: این آداب نیز نخستین بار به هنگام جلوس اوکتای صورت پذیرفت، بدین‌گونه که الغ نوین کاسه گرفت و سپس تمامی حاضران زانو زدند (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۴۵). در اینجا رسم کاسه گرفتن توسط الغ نوین (لقب تولوی) انجام گرفته که نشانه لطف و احترام حاضرین به شاه بوده و احتمالاً به سلامتی شاه نوشیده می‌شد و سپس رسم چوک زدن مقابل سلاطین مغول بود که نشان از نهایت احترام و خشوع در مقابل فرمان‌روا بود.

پس از استقرار گیوک بر تخت فرمان‌روایی مغولان بنا به گفته جوینی حاضرین در

مجلس کاسه گرفتند و سپس در اندرون و بیرون بارگاه زانو زدند (همو: ۲۰۸). در این جشن آداب چوک زدن و کاسه گرفتن نیز همانند جلوس اوکتای اجرا شده با این تفاوت که در اینجا مشخص نیست رسم کاسه گرفتن توسط چه کسی صورت گرفته است. هیچ‌یک از منابعی همچون *جامع‌التواریخ*، *تاریخ و صاف*، *مجمع‌الانساب* و *روضه‌الصفا* نیز نامی از فردی که در اینجا رسم کاسه گرفتن را انجام داده است، نمی‌برند!

رسم کاسه گرفتن و چوک زدن به هنگام جلوس منکو نیز صورت پذیرفته و باتو در اینجا نقش اصلی در اجرای این آداب برعهده داشته است و امرا و شاهزادگان به پیروی از باتو کلاه‌ها را از سر برداشته و زانو زده‌اند و رسم کاسه گرفتن نیز توسط باتو که یکی از اعضای با نفوذ خاندان چنگیزخان بود، اجرا شده است. نکته قابل‌ذکر آن است که در جلوس شاهزادگان پیشین امرا و نوینان همگی با هم و متفق‌القول کلاه‌ها را از سر برداشته و کمرها باز می‌کردند و سپس چوک می‌زدند اما در *جامع‌التواریخ* آمده که ابتدا باتو کلاه از سر برداشت و سپس شاهزادگان و امرا به جهت موافقت و همراهی با او چوک زدند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۸۲۶). باتو علاوه بر اجرای رسم کاسه گرفتن در اجرای آداب معمول به هنگام جلوس نیز پیشقدم شده است که شاید دلیل آن را بتوان همان نارضایتی اولیه‌ای که شاهزادگان مغولی به جهت انتخاب منکو داشته‌اند، دانست. در *جامع‌التواریخ* آمده که در قوریلتهای دوم حاضرین پس از برداشتن کلاه و گشودن کمر منکو را بر تخت نشاندند (همو، ۸۲۹) و اشاره‌ای به رسم چوک زدن و کاسه گرفتن برای بار دوم نشده است.

۶. زانو زدن در برابر آفتاب: این آیین ریشه در عقاید مذهبی مغولان داشت و اولین بار پس از جلوس اوکتای مشاهده گردید بدین‌گونه که پس از جلوس اوکتای تمامی شاهزادگان در بیرون اردو سه نوبت در مقابل آفتاب زانو زدند (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۴۸). بنا به گفته پلان کارپن در جشن جلوس گیوک نیز این آیین دینی اجرا گردید و پیش از جلوس گیوک جمعیتی که در آنجا حضور داشتند رو به جنوب زانو زده و مشغول خواندن دعا و اوراد شدند (کارپن، ۱۳۶۳: ۱۰۰). اشاره کارپن به زانو زدن حاضرین رو به جنوب و سپس خواندن دعا با توجه به اهمیت جنوب نزد مغولان، احتمالاً در جهت پرستش خورشید می‌توانسته باشد. نحوه پرستش خورشید بدین صورت بود که به حالت رکوع درمی‌آمدند و با چسپاندن

انگشت‌های میانه به کف دست سق می‌زدند (اشپولر، ۱۳۵۱: ۱۷۵).

بنا به گفته میرخواند در جشن جلوس گیوک: «... نه مرتبه در برابرش زانو زده و کاسه گرفتند و سپس در بیرون خرگاه سه نوبت در برابر آفتاب زانو زدند» (میرخواند، ۱۳۷۳: ۸۶۹). جشن جلوس گیوک نیز توأم با عقاید مذهبی بوده، حاضرین مجلس علاوه بر آن که سه نوبت در برابر خورشید سجده نمودند در برابر فرمان‌روا نیز نه مرتبه زانو زده‌اند. زانو زدن نه مرتبه آن‌ها در برابر فرمان‌روا نیز یادآور اجرای عقاید مذهبی در این زمان بوده است چراکه معتقد بودند خداوند هر آنچه را که آفریده از عدد نه تجاوز نکرده است و همچنین آن‌ها اکثر جشن‌های خود را در نهم ماهها برگزار می‌کردند (بیانی، ۱۳۶۷: ۱۰).

پس از استقرار منکو بر تخت فرمان‌روایی در قوریلتای دوم بنا به گفته رشیدالدین: «... حاضرین در بیرون اردو نه نوبت زانو زدند» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۸۳۰). در منابع دوره مغول به پرستش و سجده در برابر آفتاب پس از جلوس منکو اشاره‌ای نشده است و تنها منبعی که به این مورد اشاره می‌کند تاریخ وصاف است: «... و آفتاب را هفت نوبت بر صفت سرو پیاده صف زده چنان که سرو سهی از شمائل خم گیرد...» (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹: ۵۷۷) رد پای اجرای عقاید مذهبی به هنگام جلوس فرمان‌روایان را تا به هنگام جلوس منکو می‌توان ملاحظه نمود و این رسم پس از این نه تنها به هنگام جلوس فرمان‌روایان مغول انجام نشد بلکه به هنگام جلوس هیچ‌یک از ایلخانان نیز اجرا نشد.

دوم: آداب و آیین‌هایی که تنها یک بار و به هنگام جلوس یک فرمان‌روا اجرا شده

۱. **رقص بر گرد درخت:** پس از آن که قوتوله قآن به فرمان‌روایی مغولان برگزیده شد در کنار درختی تنومند و پرشاخ‌وبرگی جشن و شادی را ترتیب دادند و از شدت پای‌کوبی و رقص در اطراف آن درخت شیاری ایجاد شد (چائو پی یه شه، ۱۳۲۸: ۳۲). درخت نزد مغولان دارای اندیشه فتیش وار بود. رقص بر گرد درخت نیز نشئت‌گرفته از شادی و سرور یک واقعه یا رویداد خاصی و توأم با عقاید دینی بود و در نوع خود از قدیمی‌ترین اجراهای آداب دینی بوده که تنها به هنگام بر تخت‌نشینی قوتوله قآن صورت پذیرفت و پس از آن نیز تکرار نشد.

۲. قربانی دختران: قربانی نمودن چهل تن از دختران زیبارو که همگی از نسل اشراف و نوینان مغول بودند به جهت آرامش روح چنگیزخان نیز از دیگر آداب مراسم جلوس اوکتای بود (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۴۹). این رسم پس از این در جلوس هیچ‌یک از فرمان‌روایان مغول انجام نشد.

۳. موچلکا: پس از قبول سلطنت از جانب گیوک او به شرطی حاضر به قبول آن شد که پادشاهی بر او و فرزندانش مسلم و برقرار باشد. رشیدالدین به رسم موچلکا دادن امرا که در واقع نوعی سوگند یا دادن اطمینان خاطر به گیوک بود اشاره می‌کند: «همگی به اتفاق موچلکا دادند که تا از نسل تو پاره‌ای گوشت باشد که در پیه و علف پیچیده سگ و گاو آن را قبول نکند خانیت به دیگری ندهیم» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۸۰۴). موچلکای پیش از جلوس گیوک نیز همانند برخی دیگر از آداب و آیین‌های جلوس صوری بود و بزرگان و اشراف به هنگام جانشینی منکو به این پیمان و سوگند با گیوک وفادار نامانند و پادشاهی را به افرادی جز فرزندان گیوک واگذار نمودند. چنانچه به آن اشاره خواهیم نمود آداب موچلکا پیش از بر تخت‌نشینی احمد تکودار نیز بار دیگر تکرار شد.

۴. نه نه تکتیمیشی: تاریخ وصاف‌الحضره از آدابی به نام نه نه تکتیمیشی پس از جلوس منکو نام می‌برد. بدین صورت که قوشچی در لشکر شیرامون اسلحه‌های بسیاری یافت و معلوم شد که عده‌ای در فکر توطئه علیه فرمان‌روا بوده‌اند، بیش از این هرگز کسی متعرض یاسای چنگیزخانی نشده و در فکر توطئه و براندازی یک فرمان‌روای مغولی برنیامده بود به همین خاطر این عمل آن‌ها نزد سایرین قابل‌باور نبود. با کشف این توطئه شیرامون و هم‌دستانش مضطرب شده و نزد فرمان‌روا رفتند و نه نه تکتیمیشی کردند و اظهار بندگی و بخشش نمودند (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹: ۵۷۸).

نه نه تکتیمیشی را می‌توان اظهار پشیمانی و فرمان‌برداری از فرمان‌روا دانست. به جهت آن‌که پیش از این در خاندان چنگیزخانی همگی تابع فرمان‌روای برگزیده‌شده در قوریلتا بودند نیازی به ادای رسم نه نه تکتیمیشی و ابراز ندامت نبوده است و به همین خاطر این رسم تنها پس از جلوس منکو مشاهده شد. اعتراض و نارضایتی اعضای خاندان چنگیز با جلوس منکو در واقع در چندین مرحله ابراز گردید. بار نخست از همان ابتدای تشکیل

قوریلتهای اول اشراف و شاهزادگان مغولی از رفتن به قپچاق به دلیل آن که موضع اصلی چنگیز در کلوران است، خودداری کردند. بار دیگر نیز به هنگام بر تخت نشاندن منکو بنا به گفته منابع هیچ‌یک از اعضای خاندان چنگیزی همانند جلوس سایر فرمان‌روایان مغولی او را یاری نمودند. نارضایتی آنان آتش زیر خاکستری بود که در شورش مسلحانه و تعرض به فرمان‌روای جدید شعله‌ور شد.

با تأسیس حکومت ایلخانی، مغولان با وجود تأثیرپذیری‌ای که از فرهنگ ایرانی داشتند اما در اجرای مراسم خود از جمله جشن‌هایی که به‌منظور جلوس ایلخانان ترتیب می‌یافت آمیزه‌ای از آداب اسلامی- ایرانی- مغولی در آن رعایت می‌شد و در نتیجه تأثیرپذیری از آداب اسلامی ایرانی برخی از آداب و آیین‌های جلوس مغولان در این زمان یا به فراموشی سپرده شدند یا دست‌خوش تغییراتی گشتند. در اینجا نیز می‌توان آداب و آیین‌هایی جلوس ایلخانان اجرا می‌گردید را به دو دسته تقسیم کرد:

اول: آداب و آیین‌هایی که تقریباً به هنگام جلوس تمامی فرمان‌روایان ایلخانی اجرا شده

۱. **تشکیل قوریلتهای** بنا به گفته رشیدالدین، پس از وفات هلاکو قوریلتهایی جهت انتخاب اباقا برگزار شد: «... عموم خواتین و شهزادگان و دامادان و امرا مجتمع شدند و در باب جلوس او کنکاج کردند...» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵۹). کنکاج در اینجا به همان معنای مشورت و بحث و گفتگو پیرامون خانیته یک شاهزاده مغولی می‌باشد که معادل با معنای قوریلتهایی است که پیش از این برگزار می‌گردیده است. پس از درگذشت اباقا تمامی امرا در مورد جانشینی احمد تکودار توافق کرده و پادشاهی بر او مقرر گردانیدند (همو: ۱۱۲۶). بنا به گفته جامع‌التواریخ پیش از جلوس ارغون نیز مجلس مشورتی توسط بزرگان برگزار شد: «... بعد از حادثه احمد تمامت خواتین و امرا در آب شور از حدود یوزآغاج مجتمع شده بر پادشاهی ارغون متفق شدند...» (همو: ۱۱۵۴). پس از حل‌وفصل اختلاف نظری که میان بزرگان و اشراف در انتخاب بایدو و گیخاتو وجود داشت، شاهزادگان و امرا پس از اتفاق نظر در حدود اخلاط گیخاتو بر تخت نشاندند (وصاف‌الحضرة، ۱۲۶۹: ۲۶۰). جهت جلوس اولجایتو بر تخت پادشاهی نیز بنا به گفته تاریخ اولجایتو جشن و قوریلتهایی بزرگ برپا گردید (القاشانی، ۱۳۹۱: ۲۴).

گرچه از نحوه برپایی دقیق قوریلتهای دوران ایلخانی با ذکر جزئیات و مسائل مطرح‌شده در آن همانند دوران مغولان اطلاعاتی در دست نیست اما نکته حائز اهمیت آن که ایلخانان این آیین نیاکانشان را از یاد نبردند و همه منابع این دوران به برپایی قوریلتهای پیش از جلوس اکثر فرمان‌روایان ایلخانی اشاره کرده‌اند.

۲. تعیین طالع سعد: پس از نزول هلاکو در شفورقان^۱ ارغون آقا بارگاهی باشکوه ترتیب داده، هلاکو آن را پسندید و در طالعی سعد و در طی جشنی که بر پا گردید بر تخت سلطنت جلوس کرد (میرخواند، ۱۳۷۳: ۹۸۰). اباقا را نیز با تعیین طالعی سعد توسط خواجه نصیرالدین طوسی بر تخت نشانده و آداب معمول را به‌جا آوردند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵۹). در زمان ارغون نیز پس از اتفاق نظر بزرگان بر پادشاهی ارغون، با اختیار منجمان به طالعی سعد او را بر تخت نشاندند (همو: ۱۱۵۴). به هنگام جلوس گیخاتو نیز بنا به گفته تاریخ و صاف تا طالع سعدی توسط منجمان اختیار نشد، گیخاتو بر تخت جلوس نمود (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹: ۲۶۵). این آداب پیش از جلوس غازان نیز اجرا گردید: «... به آذارماه خجسته بهار یکی روز کردند نیک اختیار...» (نوری اژدری، ۱۳۸۰: ۱۳۷). پیش از جلوس اولجایتو آخرین بار این رسم به‌جا آورده شد: «... در مبارک‌ترین وقتی و خجسته‌ترین ساعتی به طالع میمون و اختر همایون و ساعت فرخنده و بخت نازنده... به عروس مملکت داماد شد» (القاشانی، ۱۳۹۱: ۲۴). در نتیجه تأثیرگذاری آداب و فرهنگ ایرانی‌اسلامی تعیین طالع سعد تبدیل به مهم‌ترین آداب پیش از جلوس گشت به گونه‌ای که در هنگام جلوس شش تن از ایلخانان به‌جا آورده شد.

۳. برداشتن کلاه و گشودن کمر: این آداب نخستین بار به هنگام جلوس ارغون اجرا شد: «... او را بر تخت پادشاهی نشانند و جمله به اتفاق کمرها در گردن انداختند...» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۱۵۴). در جشن جلوس فرمان‌روایان مغول پیش از آن که بزرگان فرمان‌روا را بر تخت بنشانند ابتدا کلاه‌ها را بر داشته و آنگاه کمرها را می‌گشودند اما این رسم نه‌تنها در اینجا پس از جلوس فرمان‌روا اجرا شده بلکه بزرگان فقط کمرها را گشوده‌اند و اشاره‌ای به برداشتن کلاه‌ها نشده است! این آداب و آیین در زمان غازان به همان ترتیب

۱. مرغزاری در حوالی سمرقند.

آداب نیاکان اجرا شد: «شهبازگان و امرا کلاه‌ها از سر برداشته و کمرها در گردن انداخته...» (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۵۶). به هنگام بر تخت‌نشینی ابوسعید آخرین ایلخان نیز این آداب به همان شیوه پیشینیان اجرا گردید و بزرگان کلاه‌ها را برداشته و کمر در گردن انداختند و او را بر تخت نشانند (بیانی، ۱۳۷۱: ۵۰۳). بنا به گزارش منابع پیش از ایلخانان حاضرین کمرها را پس از گشودن به دوش می‌انداختند اما در این زمان کمرها را بر گردن می‌انداختند، احتمالاً این رسم با اندکی تغییرات نسبت به رسم سابق اجرا می‌شده است.

۴. قرار گرفتن افرادی در سمت راست و چپ فرمان‌روا به هنگام جلوس: این

رسم نخستین بار در هنگام جلوس احمد تکودار اجرا گردید، بدین صورت که قونقورتای فرزند هلاکو و فرمان‌روای روم در دست راست و شیکتورنویان از امرای برجسته دوره احمد دست چپش را گرفته و او را بر تخت نشانند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۱۲۶). حضور فردی از اولاد چنگیزخان و یکی از برجسته‌ترین امرا نشان از مشروعیت فرمان‌روا نزد بزرگان و اشراف و درعین حال داشتن حامیانی قدرتمند در آغاز سلطنت است. برای نخستین بار در زمان ایلخانان است که این رسم مطابق رسم معمول پیشینیان و با حضور یک فرد از اعضای خاندان سلطنتی و یکی از اشراف نظامی اجرا می‌شد. این آداب به هنگام جلوس ارغون نیز انجام شد: «... هلاچو دست راست ارغون بگرفت و انبارچی دست چپ و او را بر تخت پادشاهی نشانند...» (همو: ۱۱۵۴). هلاچو عموی ارغون که در سمت راست او قرار گرفته از نزدیکان اصلی فرمان‌روا محسوب می‌شده که حضور هلاچو بیش از هر چیزی موجب تداوم و بقای حکومت می‌شد، اکثر افرادی که در سمت چپ فرمان‌روا به هنگام جلوس قرار داشتند از نوینان بودند، در جلوس ارغون آخرین باری بود که فردی از اعضای خاندان چنگیزخان در سمت راست فرمان‌روا قرار دارد، این جایگاه از این پس به اشراف نظامی تعلق گرفت. در دوره فرمان‌روایان مغول همچون اوکتای، گیوک ... هر دو نفر سمت راست و چپ از اولاد و احفاد چنگیزخان بودند اما به تدریج این رسم بدین صورت تغییر یافت که یک نفر از آن‌ها از خاندان چنگیز با هدف مشروعیت بخشیدن به خاندان چنگیز و یک نفر از نوینان با هدف حمایت رؤسای قبایل از خان قرار می‌گرفتند.

مطابق آداب جلوس، خاندان چنگیزخان در سمت راست فرمان‌روا و اشراف نظامی و

نویینان نیز در سمت چپ قرار می‌گرفتند. به هنگام جلوس اولجایتو این آداب تا حدی دستخوش دگرگونی گردید: «...شهزادگان بر جانب یمین چون پروین بر کرشمه سپهر برین کمر بسته ایستاده و خواتین با کمال در طرف یسار نشسته ... نویینان بزرگ قتلغشاه و چوپان و فولاد و حسین بیگ و سونج و انس و قتلغ...» (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹: ۴۶۸). در ترتیب این آداب زمان اولجایتو نسبت به رسم سابق تغییرات نسبتاً مهمی صورت گرفت، اول آن که امرا و نویینان در جایگاه خاندان چنگیزخان قرار گرفته‌اند و خواتین نیز برای نخستین بار در بر تخت‌نشینی یک فرمان‌روای مغولی در جایگاه پیشین نویینان قرار دارند و با حذف شدن خاندان سلطنتی اولجایتو از حمایت آنان محروم شده و در عوض حمایت و پشتیبانی امرای برجسته‌ای همچون امیرچوپان، امیر سونج و... را به‌دست آورده است. با جابه‌جا شدن جایگاه خاندان سلطنتی و امرا بر قدرت و نفوذ امرا بیش از پیش افزوده شد که در واقع این زمان را بایستی مقدمه قدرت‌گیری امرا دانست. میرخواند در شرح بر تخت‌نشینی ابوسعید آخرین ایلخان مغول آورده: «... یک دست سلطان را امیرچوپان و دست دیگر او امیر سونج گرفته بر سریر دولت نشاندند» (میرخواند، ۱۳۷۳: ۹۵۴).

امیرچوپان به هنگام جلوس اولجایتو نیز در سمت راست فرمان‌روا قرار داشت و اکنون نیز با قرار گرفتن در سمت راست ابوسعید نفوذ و اعتبار خود را حفظ نموده است، با قرار گرفتن امرای برجسته در سمت راست ایلخانانی همچون اولجایتو و ابوسعید می‌توان پی برد که از قدرت و نفوذ اعضای خاندان چنگیزخان در حد چشمگیری کاسته شده تا جایی که آن‌ها نقش اصلی خود را به‌عنوان حامیان ایلخانان از دست دادند و این جایگاه به امیرانی تعلق یافته که هم مسلمانند و هم تحت نفوذ فرهنگ ایرانی نشو و نما یافته‌اند. شاید یکی از دلایل آن دور شدن ایلخانان از جامعه و آداب مغولی باشد که موجب شده از اعتبار خاندان سلطنتی بتدریج کاسته شود و در مقابل امرا قدرت روز افزونی یابند به گونه‌ای که اولجایتو و ابوسعید بیش از آن که به داشتن حامیانی از خاندان خود احساس نیاز کنند به نیروی نظامی و امرا تکیه نمودند.

۵. کاسه گرفتن و چوک زدن: بنا به گفته رشیدالدین پس از جلوس ارغون: «...چنان که معهود است زانو زدند و کاسه گرفتند» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۱۵۴). گرچه

در اینجا اشاره‌ای نشده که رسم کاسه گرفتن توسط چه کسی انجام شده؟ اما دو رسم چوک زدن و کاسه گرفتن برای اولین بار در زمان ایلخانان به هنگام بر تخت‌نشینی ارغون قابل‌مشاهده است. تاریخ بناکتی درباره جلوس غازان می‌گوید: «شهبزادگان و امرا کلاه‌ها از سر برداشته و کمرها در گردن انداخته و زانو زدند» (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۵۶).

امرا و شاهزادگان همانند آداب معمول کلاه‌ها را برداشته و کمرها را گشوده‌اند، آداب چوک زدن در بین ایلخانان تا پیش از این فقط به هنگام جلوس ارغون مشاهده شد اما با این تفاوت که آداب چوک زدن در بین سلاطین مغولی به دنبال رسم کاسه گرفتن، اجرا شده است اما به هنگام جلوس غازان اشاره‌ای به رسم کاسه گرفتن نشده و امرا پس از برداشتن کلاه‌ها و گشودن کمر در برابر غازان چوک زدند.

این رسم در جشن جلوس اولجایتو نیز برای آخرین بار اجرا شد؛ اما نکته قابل‌تامل آن که پیش از این رسم کاسه گرفتن به توسط یکی از امیران یا نویینان صورت می‌گرفت، اما در این جشن تمام افراد حاضر در مجلس هرکدام بر اساس رتبه و مقام کاسه گرفتند. «تمامت خواتین زهره‌عارض و شاهزادگان خورشیدبہجت و نویینان و ایناقان خاقان‌رتبت و وزیران آصف‌منقبت با طبقات دیگر از امرای رستم‌رزم و شاقان پرویزبزم و قورچیان مریخ‌باس و ایاقچیان مشتری کاس و ایداقچیان قمرقرص قدرقدر به‌نوبت برحسب رتبت کاسه می‌گرفتند...» (همو: ۴۶۹).

اما به آداب چوک زدن که معمولاً پس از کاسه گرفتن صورت می‌گرفت، اشاره‌ای نشده است. خواتین نه‌تنها برای اولین بار در جلوس یک فرمان‌روای مغولی کاسه گرفتند بلکه در این جشن جزء اولین گروهی بودند که در انجام این آداب پیش‌قدم شدند. هرچند جایگاهی که خواتین در این زمان به دست آوردند زودگذر بوده و در جلوس ابوسعید اشاره‌ای به حضور خواتین در اجرای آداب دینی نشده است. آداب کاسه گرفتن در اینجا توسط هفت گروه مجزا و به ترتیب رتبه و مقام صورت گرفته است. در این دسته‌بندی می‌توان به برتری هرکدام از این گروه‌ها نسبت به سایر طبقات پی برد به‌گونه‌ای که ایناقان در درجه بالاتری نسبت به وزیران و قورچیان قرار داشتند و حتی شراب‌داران نیز پیش از ایداقچیان کاسه گرفته‌اند. جشن جلوس اولجایتو جشنی همگانی بود و تمامی حاضرین مجلس در شادی و سرور آن سهیم بودند.

دوم: آداب و آیین‌هایی که تنها یک بار و به هنگام جلوس یک فرمان‌روای ایلخانی اجرا شده

۱. امتناع: این آداب زمان ایلخانان تنها پیش از جلوس اباقا مشاهده شد: «... اما اباقا مطابق آداب پیشین شاهزادگان مغول از قبول خانیت امتناع نموده و به برادران حواله می‌کرد» (میر خواند، ۱۳۷۳: ۹۰۶). طبق گفته رشیدالدین، اباقا با این استدلال بزرگان به سلطنت رضا داد: «... با وجود تو که آقای تمامت پسرانی و رسوم و یوسون یاسای قدیم و حدیث نیکو دانی و هلاکو تو را در حال حیات ولی عهد کرده است چگونه دیگری نشیند...» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵۹).

۲. موچلکا: بنا به گفته جامع‌التواریخ بزرگان پس از انتخاب احمد و پیش از نشاندن او بر تخت به پادشاهی او موچلکا دادند (همو: ۱۱۲۶). رسم موچلکا دادن پیش از جلوس گیوک توسط بزرگان صورت پذیرفت و پس از آن این رسم پیش از جلوس هیچ‌یک از فرمان‌روایان مغول تا به هنگام جلوس تکودار مشاهده نشد؛ اما با این تفاوت که رشیدالدین هدف بزرگان را از موچلکا پیش از جلوس گیوک مشخص ساخته که به جهت اطمینان خاطر به گیوک و به منظور موروثی شدن سلطنت در خاندانش بوده اما در اینجا مشخص نیست که هدف بزرگان از موچلکا پیش از سلطنت تکودار چه بوده است یا به‌طور دقیق روشن نیست که آیا آداب موچلکای زمان تکودار به همان معنای آداب موچلکای زمان گیوک می‌توانسته باشد.

۳. سیورمیشی: از آدابی که در جشن جلوس اولجایتو مشاهده شد رسم سیورمیشی بوده که به غریو دسته‌جمعی مغولان به هنگام حمله یا ابراز شادمانی گفته می‌شد: «بعد از سه روز که عیش و سیورمیشی به نهایت کشید و اسرامیشی مصالح ملکی بر دیگر امور مقدم نمود اسباب ملاحی و مناهی از روی بساط مجلس چون مهره نرد برچیدند...» (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹: ۴۷۰). پیش از این به رسم سیورمیشی به هنگام جلوس هیچ‌یک از فرمان‌روایان مغول و ایلخانی اشاره‌ای نشده است، این‌گونه ابراز شادمانی دسته‌جمعی تنها به هنگام جلوس اولجایتو مشاهده می‌شود که این جشن از نظر بزرگی و رعایت آداب و آیین‌های مربوط به جلوس از پرتکلف‌ترین جشن‌های جلوس فرمان‌روایان ایلخانی محسوب می‌شد و به همین خاطر قابل‌مقایسه با جشنی بود که به‌منظور جلوس گیوک ترتیب یافت.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ همواره یکی از رویدادهای مهم هر حکومتی جلوس فرمان‌روایان بوده است؛ و بدیهی است که جشن‌های عظیمی بدین منظور ترتیب می‌یافت. بر تخت‌نشینی فرمان‌روایان مغول همراه با آداب و آیین‌های خاصی صورت می‌پذیرفت. از مهم‌ترین آداب و آیین‌های جلوس فرمان‌روایان مغولی چوک زدن، کاسه گرفتن و جلوس فرمان‌روا به کمک دو تن از افراد مهم و برجسته بود. در کنار این آداب برخی دیگر از آیین‌هایی نیز به هنگام بر تخت‌نشینی فرمان‌روا رعایت می‌شد همچون برپایی قوریلتا، رسم امتناع نمودن شاهزادگان از قبول مقام خانیت پیش از جلوس ... جشن جلوس فرمان‌روایان مغول با وجود تشریفات و تجملاتی که به آن افزوده شد اما درنهایت باز به همان سادگی اولیه گرایید.

نتیجه نخست این است که با تشکیل حکومت ایلخانان در ایران گرچه آن‌ها از آداب و فرهنگ ایرانی تأثیر بسیار پذیرفتند اما از سنت‌ها و آداب جامعه مغولی به‌طور کامل فاصله نگرفتند اما با وجود این، در مراسم جلوس فرمان‌روایان اولیه ایلخانی همچون هلاکو و اباقا شاهد اجرای آداب بسیار کمی مطابق رسم پیشینیان هستیم و به تدریج با تثبیت حکومت ایلخانان رفته‌رفته آداب بیشتری در جشن‌های جلوس رعایت شد و آدابی همچون برپایی قوریلتا و چوک زدن و کاسه گرفتن و گشودن کمر و برداشتن کلاه تقریباً تا پایان عهد ایلخانی اجرا شدند اما آدابی همچون زانو زدن در برابر آفتاب که به هنگام بر تخت‌نشینی تمامی فرمان‌روایان مغولی اجرا می‌شدند و جنبه دینی داشتند، در نتیجه نفوذ فرهنگ و آموزه‌های ایرانی اسلامی حذف شدند.

دومین نتیجه آن‌که تعیین زمان سعد و خوش یمن به‌منظور برپایی قوریلتا و بر تخت‌نشینی فرمان‌روایان مغول توسط قامان‌ها و ساحران که نفوذ بسیاری در میان اقوام مغولی داشتند صورت می‌گرفت اما با استقرار ایلخانان در ایران و در پی تأثیرپذیری از آداب و فرهنگ ایرانی اسلامی این جایگاه به منجمانی ایرانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی تعلق گرفت و تعیین طالع سعد تبدیل به جزء جدایی‌ناپذیر آداب و آیین‌های پیش از جلوس گشت، بدین صورت که ابتدا منجمان ایرانی طالعی سعد بر می‌گزیدند و آنگاه فرمان‌روا جلوس می‌نمود.

منابع

کتاب‌ها

- اشپولر، برتولد (۱۳۵۱)، *تاریخ مغول در ایران*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵)، *تاریخ مغول*، تهران، امیرکبیر.
- بناکتی، ابوسلیمان داود (۱۳۴۸)، *روضه اولی‌الالباب فی معرفه‌التواریخ و الانساب (تاریخ بناکتی)*، به کوشش جعفر شعار، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- بیانی، شیرین (۱۳۶۷)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱)، *دین و دولت در ایران عهد مغول (حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ)*، جلد دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- تنوی، آصف خان قزوینی احمدبن نصرالله (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی (تاریخ هزارساله اسلام)*، جلد پنجم، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، علمی و فرهنگی.
- جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاءالدین محمدبن شمس‌الدین محمد (۱۳۷۰)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، جلد اول، به سعی و اهتمام محمدبن عبدالوهاب قزوینی، بی‌جا، رخ.
- جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاءالدین محمدبن شمس‌الدین محمد (۱۳۷۰)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، جلد سوم، به سعی و اهتمام محمد بن عبد الوهاب قزوینی، بی‌جا، رخ.
- چائو پی یه شه، یوان (۱۳۲۸)، *تاریخ سری مغولان*، ترجمه و تصحیح پل پلیو، ترجمه شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۳۳)، *تاریخ حبیب‌السیر*، جلد سوم، با مقدمه استاد جلال‌الدین همایی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد. (۱۳۷۶)، *مجمع‌الانساب*، تهران، امیرکبیر.
- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین. (۱۳۷۳)، *جامع‌التواریخ*، جلد دوم، به تصحیح و تحشیه محمد روشنی - مصطفی موسوی، تهران، نشر الگو.
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله. (۱۳۹۱)، *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران، علمی و فرهنگی.
- کارین، پلان (۱۳۶۸)، *سفرنامه پلان کارین نخستین سفیر واتیکان در دربار مغول*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران، فرهنگ‌سرا یساولی.
- میرخواند، محمدبن خاوند (۱۳۷۳)، *روضه‌الصفی قسمت پنجم تاریخ چنگیزخان و ایلخانان*

مغول در ایران، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، تهران، علمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی